

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سهیلا

۰۸ اگست ۲۰۲۳

طبقه کارگر امریکا و کمون سنت لوئیس

ماه جولای یادآور یکی از انقلابی ترین رویدادهای تاریخ مبارزاتی طبقه کارگر امریکا میباشد. حدود ۱۴۶ سال پیش کارگران آگاه امریکا در جولای ۱۸۷۷ طی یک مبارزه قهرآمیز موفق به کسب قدرت و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا (هرچند بسیار کوتاه مدت) در شهر «سنت لوئیس» (ایالت میسوری) شدند. در آن سال که سرمایه داری امریکا در بحران به سر میبرد طبقه حاکم برای سر شکن کردن بار بحران بر دوش محرومان جامعه هر چه بیشتر به تشدید استعمار کارگران و افزایش ظلم و ستم روزافزون علیه آنها (از جمله کاهش حقوق کارگران) پرداخت. شرایط بسیار ناگوار زندگی خانواده‌های کارگری؛ دستمزدهای بسیار نازل و نابرابری بی‌سابقه اقتصادی-اجتماعی منجر به رشد خیزش‌های خودبه خودی کارگران و گسترش اعتصابات سراسری شد. کارگران به ظلم و ستم سرمایه داران تن ندادند و مبارزه طبقاتی شدیدی را در پی اعتصاب کارگران راه آهن از اوایل ماه جولای ۱۸۷۷ آغاز کردند. این اعتصاب که به مدت تقریباً سه ماه طول کشید، سراسر امریکا را فرا گرفت و شدت و دامنه آن پایه‌های حکومت سرمایه داری را در این کشور لرزاند. در واقع طبقه کارگر امریکا در پایان جنگ داخلی و در شرایطی که فضای مناسبی برای رشد سوسیالیسم ایجاد شده بود قادر شد آن مبارزات گسترده را برای احقاق حقوق اولیه خود علیه سیستم سرمایه داری آغاز کند. (۱) از این رو می‌توان گفت که طبقه کارگر امریکا دوره جدیدی را به مثابه یک نیروی قدرتمند و تاثیرگذار آغاز کرده بود. در چنان شرایطی بود که "کمون سنت لوئیس" به مثابه مرکز ثقل این مبارزات ایجاد شد. البته واضح است که بورژوازی حاکم بر امریکا در تاریخ نویسی‌های جعلی خود این واقعیات تاریخی را نادیده گرفته و این طور وانمود کند که گویا هرگز در آن کشور مبارزه طبقاتی که به ایجاد کمون و دیکتاتوری پرولتاریا علیه سرمایه‌داران منجر شود، وجود نداشته است.

با توجه به نفوذ بین المللی سوسیالیسم و قیام‌های انقلابی در اواسط قرن نوزدهم، کمون «سنت لوئیس» به شکل بهتری می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. زیرا که انقلاب‌های ۱۸۴۸ در اروپا و تشکیل "انترناسیونال اول" (انترناسیونال اول در ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ در لندن تأسیس شد) و "کمون پاریس" (۱۸۷۱) تاثیر عمیقی بر سیاست و جامعه امریکا را به جا گذاشته بود و همه این وقایع تاریخی در ایجاد کمون سنت لوئیس به صورت غیر مستقیم تأثیر داشتند. بررسی کمون سنت لوئیس و اساساً بررسی آن دوره از تاریخ مبارزات کارگری امریکا می‌تواند دارای درس‌های ارزشمندی برای

طبقه کارگر جوان و آگاه عصر حاضر باشد، به‌خصوص در شرایط کنونی که تمایل به سوسیالیسم و مارکسیسم در میان جوانان جهان رو به افزایش است.

پس از پایان جنگ داخلی آمریکا و لغو برده داری، دوره ای از توسعه اقتصاد سیستم سرمایه داری در قرن نوزدهم آغاز شد. تولید صنعتی از سال ۱۸۶۵ تا ۱۸۷۳ بیش از ۷۵ درصد افزایش یافت و صنایع عظیمی مانند راه آهن رشد بی سابقه ای پیدا کردند. از طرف دیگر تورم و رکودهای پی در پی و همچنین گسترش فقر و فلاکت و ظلم و ستم طبقاتی ناشی از سرمایه داری بر شرایط سیاسی و اجتماعی تاثیر گذاشت. دولت آمریکا با اعطای زمین‌های دولتی ارزان قیمت و وام‌ها و یارانه‌های سودآور به سرمایه داران؛ به رشد صنایع (به‌خصوص صنعت راه آهن) کمک کرد. با کمک‌های هنگفت دولت، راه‌آهن بین‌قاره‌ای آمریکا در سال ۱۸۶۹ تکمیل شد. اما صنعت راه‌آهن به مثابه پیشرو صنایع دیگر، علاوه بر اتصال شهرها و کشورها به یکدیگر منجر به اتحاد میان طبقه کارگر نیز شد.

سرمایه داران بزرگ در رقابت با یکدیگر در شهرهای بزرگ آمریکا در صنایع متعدد سرمایه گذاری کردند و این خود منجر به رونق سرمایه داری شد. از این رو بود که شهر «سنت لوئیس» نیز مانند بسیاری دیگر از شهرهای آمریکا رشد اقتصادی چشمگیری یافت و حتی از شهرهایی مانند شیکاگو جلو افتاد. به عنوان مثال سرمایه داران بزرگی مانند «جان اوفالون» و «جیمز لوکاس» در راه اندازی راه‌آهن و صنایع جانبی آن مانند کارخانه های تولید واگنهای باری و مسافربری کارخانه های بسته‌بندی گوشت و معادن زغال‌سنگ سرمایه گذاری کردند. «جی گولد» سرمایه دار عمده صنایع لاستیک سازی نیز یکی دیگر از سهامداران بزرگ راه آهن بود. (۲) مسلم است که ثروت‌های نجومی این سرمایه داران را «دست‌های نامرئی» بازار به آنها تقدیم نکرده بود بلکه آن ثروت‌ها حاصل استثمار شدید کارگران و غارت منابع طبیعی بودند. واقعیت این است که توسعه اقتصاد سیستم سرمایه داری در قرن نوزدهم با چپاول شدید طبقه کارگر آغاز شد و در نتیجه این دوره‌ی رشد اقتصادی پس از جنگ داخلی آمریکا که به «عصر طلایی» مشهور شد به واقع با خون کارگران شکل گرفت. سرمایه‌داری آمریکا بنا بر خصلت ذاتی سیستم سرمایه‌داری دچار بحران‌های شدیدی نیز شد که باعث فروپاشی مالی آمریکا (و جهان) و ورشکستگی بیش از نیمی از کارخانجات صنایع راه‌آهن گردید. بحران‌های سرمایه‌داری که تا پایان دهه ۱۸۷۰ ادامه داشت جامعه آمریکا را غرق در فقر و فلاکت کرد و خشم و کینه برحق طبقه کارگر را علیه سیستم سرمایه داری افزایش داد.

از طرف دیگر، شرایط بین‌المللی نیز بر وضعیت مبارزات انقلابی طبقه کارگر آمریکا تاثیر گذاشت. طبقه کارگر آمریکا همیشه دارای پایگاهی بین‌المللی بوده و بخش بزرگی از آن را مهاجران تشکیل می‌داده‌اند. در سال‌های مورد بحث نیز بسیاری از کارگران آمریکا (از جمله کارگران شهر سنت لوئیس) را کارگران رادیکال و نسل اول و دوم مهاجرین آلمانی تشکیل می‌دادند. به عنوان مثال ۷۷ درصد جمعیت شهر سنت لوئیس از مهاجران اروپایی بودند. اکثریت طبقه کارگر شهرهایی مانند «میلواکی»، «شیکاگو»، «سینسیناتی» و چندین شهر بزرگ دیگر را نیز کارگران رادیکال مهاجر آلمانی تشکیل می‌دادند. همچنین، کارگران مهاجر (که غالباً پناهندگان سیاسی انقلابی‌های ۱۸۴۸ اروپا بودند) تاثیرات عمیق رادیکال بر جنبش کارگری آمریکا گذاشتند. آنها که عمیقاً با سیستم طبقاتی (از جمله برده‌داری در آمریکا) مخالف بودند؛ برای نابودی‌اش نیز مبارزه کرده بودند و به عنوان مثال، آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی مبارزات ضدبرده‌داری در منطقه میسوری داشتند. این کارگران و پناهنده‌های سیاسی به نیروی آگاه و سازماندهندگان مبارزات کارگری و اجتماعی، اعتصابات عمومی (و جنبشی که به تشکیل «کمون سنت لوئیس» منتهی شد) تبدیل شدند و در واقع رشد نظری و سازماندهی و رهبری جنبش کارگری آمریکا مدیون مبارزات و تلاشهای آنها بود. یکی از

چهره های تاریخی طبقه کارگر آگاه در "سنت لوئیس" کارگری به نام "جوزف وایدمایر" از دوستان کارل مارکس و یکی از بنیانگذاران "انجمن کارگران امریکائی" بود. (۳)

یکی از رویدادهای مهم جنبش جهانی کارگران که بر شرایط مبارزاتی طبقه کارگر امریکا (و جهان) تاثیر گذاشت تشکیل و فعالیتهای انترناسیونال اول بود. طبقه کارگر جهان برای اولین بار در تاریخ، خود را در مقیاسی جهانی در انترناسیونال اول سازماندهی کرد. از طریق سازماندهی جهانی طبقه کارگر در انترناسیونال اول بود که این طبقه افکار رادیکال را منتشر و مبارزه برای هشت ساعت کار روزانه و دیگر خواسته های طبقاتی کارگران را رهبری کرد. پس از اینکه در سال ۱۸۷۲ در انترناسیونال اول در لاهه اختلافات نظری میان مارکس (همراه با یارانش از جمله انگلس) و آناشیسینها (به رهبری باکونین) بالا گرفت، انگلس طرح انتقال شورای عمومی از اروپا به شهر نیویورک را به کنگره انترناسیونال پیشنهاد کرد. انجمن کارگران امریکائی با تلاشهای انقلابیونی همچون "فردریک سورگه" (مهاجر آلمانی در امریکا) تبدیل به بخش امریکائی انترناسیونال اول شد و این یکی از افتخارهای تاریخی جنبش انقلابی طبقه کارگر امریکا محسوب می شود. "فردریک انگلس" به درستی معتقد بود که زمینه های رشد سوسیالیسم در جامعه مهاجرین آلمانی در شهرهایی مانند سنت لوئیس کاملا مهیا بود. از این رو بود که "وایدمایر" در سال ۱۸۶۱ به تشویق انگلس به سنت لوئیس نقل مکان کرد و یکی از کارگران انقلابی بود که جنبش کارگری آن منطقه را با سوسیالیسم آشنا کرد. (۴)

در آخرین کنگره انترناسیونال اول که در ۱۸۷۶ در امریکا برگزار شد و به اسم "کنگره وحدت" شهرت یافت ۱۹ بخش از کنگره متحد شده و یک حزب جدید به اسم "حزب کارگران ایالات متحده امریکا" ایجاد کردند. کارگری به نام "آلبرت کِرلِن" (نانوائی که بعدها یکی از رهبران کمون سنت لوئیس شد) کارگری انقلابی بود که در شکل گیری این حزب نقش داشت و کمونیست های سنت لوئیس را به مسیر کسب دستاوردهای انقلابی هدایت کرد. حزب کارگران امریکا در شیکاگو، میلوکی و سینسیناتی نیز دارای اعضای رزمنده انقلابی زیادی بودند. بخش امریکائی انترناسیونال با وجود عمر کوتاهش و پس از انحلالش در فیلادلفیا و پنسیلوانیا، در جنبش کارگران انقلابی جوان در امریکا ریشه دواند به طوری که در سال ۱۸۷۱ تعداد انجمن های وابسته به انترناسیونال از ۱۹ به ۳۵ رسید و در سنت لوئیس چهار انجمن انگلیسی؛ چک؛ آلمانی و فرانسوی زبان تشکیل داد.

کمون پاریس (۱۸۷۱) نیز یک رویداد تاریخی مهم دیگری بود که مبارزات طبقاتی کارگران امریکا را تحت تاثیر قرار داد. در فرانسه کارگران کمونیست و اعضای انترناسیونال اول از کمون پاریس حمایت کردند و نقش فعالی در ایجاد سنگرها و گسترش و تکمیل کمون علیه ارتش فرانسه و "آدولف تیر"، سرکوبگر کمون داشتند. (۵) کمون پاریس منجر به ایجاد چنان ترس و وحشتی در طبقه سرمایه دار جهان (از جمله امریکا) شد که برای انتقام گیری از طبقه کارگر متحد شدند. طبقه حاکم بر امریکا با درخواست راه انداختن ردهائی از خون کارگران در پاریس خونخواری این طبقه و حمایتش از جنایات دولت فرانسه علیه انقلابیون را به نمایش گذاشت. روزنامه هرالد نیویورک که وابسته به حزب دموکرات بود در آن زمان در حمایت از طبقه سرمایه دار جنایتکار فرانسه نوشت: اگر لازم شد پاریس را به تلی از خرابه تبدیل کنید و در خیابانهای ردهائی از خون (انقلابیون) جاری کنید که قدرت دولت خود را به نمایش بگذارد. در آن شرایط بود که مبارزات بین المللی طبقه کارگر و تاثیراتش بر طبقه کارگر امریکا موجب شد که فعالیتهای صنفی کارگران سنت لوئیس ماهیتی انقلابی-مارکسیستی-طبقاتی به خود بگیرد. به طوری که مبارزه کارگران امریکا در سال ۱۸۷۷ علیه شرایط ناامن محل کار و کاهش دستمزدها به یک خیزش انقلابی عظیم طبقه کارگر و ایجاد یک دولت

موقت کمون کارگری در شهر سنت‌لویس منجر شد. اعتصابات آن سال که با مبارزه برای افزایش دستمزدها شروع شده بود خیلی سریع به خواسته‌های بسیار گسترده‌تر پرداخت و سپس به یک جنگ طبقاتی کشیده شد.

کمون سنت‌لویس و برخورد سرمایه‌داران

صاحبان صنایع راه آهن در ماه مه و ژوئن ۱۸۷۷ از زمان شروع بحران اقتصادی حقوق کارگران را بیش از ۵۰ درصد کاهش داده بودند. طبقه کارگر در چنان شرایط ناگواری به سر می‌برد که برای زنده ماندن چاره‌ای جز مبارزه نیافت. کارگران راه آهن، اعتصابات بزرگی را در ۱۶ جولای در شهرهای مختلف صنعتی (شهرهایی مانند "مارتینزبرگ"، "وست ویرجینیا"، "بالتیمور" و "مریلند") آغاز کردند که بعدها به نام "خیزش عظیم" مشهور شد. این خیزش انقلابی از نظر گستردگی و خودجوش بودنش و اتحاد کارگران کم نظیر بوده و به دیگر صنایع و کارخانجات مختلف و متعدد در شهرهای دیگر نیز سرایت کرد. کارگران صنایع کوچک و بزرگ (از قوطی‌سازان و حلبی‌سازان؛ کارتن‌سازها؛ نجارها و غیره گرفته تا معادن مختلف) از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب امریکا در اعتصاب برای افزایش حقوق شرکت کردند. معدنچیان و قایق‌رانان قطارها را در ویرجینیای غربی متوقف کردند. اعتصابیون در برخی شهرها جاده‌ها را مسدود کردند و برخی از کارخانه‌ها و اموال راه آهن را تصرف کردند. از ۱۶ تا ۲۲ جولای بیش از یک میلیون کارگر در اعتصاب بودند.

مبارزه کارگران سنت‌لویس که شدیدتر و قهرآمیزتر از شهرهای دیگر بود منجر به تصرف شهر توسط کارگران و ایجاد "کمون سنت‌لویس" شد. کارگران به رهبری "حزب کارگران" یک کمیته اجرائی را برای انجام وظایف دولت کمون و نظارت بر اقتصاد و دیگر امور شهر انتخاب کردند.

فرمانداران ایالتها که در ابتدا غافلگیر شده بودند، با عجله شبه نظامیان را برای سرکوب جنبش رو به رشد بسیج کردند. رئیس جمهور وقت (رادرفورد ب. هیز) سه هزار سرباز فدرال را برای سرکوب تظاهرات به نقاط مختلف کشور فرستاد. (۶) سرکوب کارگران توسط نیروهای مسلح دولتی در پیتسبورگ، فیلادلفیا، شیکاگو، بوفالو و اسکرانتون، پنسیلوانیا صدها کشته و زخمی به جا گذاشت. مطبوعات بورژوائی به کارگران توهین می‌کردند و آنان را کمونیست‌های تشنه‌ی خون، بدلیاس، بدقیافه، کثیف و ژولیده و ... می‌نامیدند و هشدار می‌دادند که "در سنت لویس، یک شاخه از کمون پاریس برای سرنگونی دولت‌های جهان در حال توطئه است."

سرعت رویدادها منجر شد که رهبران حزب کارگران امریکا نیز (که از توده کارگران رادیکال عقب مانده بودند) غافلگیر شده و پشت سر جنبش به کنده حرکت کنند. به عنوان مثال پس از شروع اعتصاب عمومی در ۱۶ جولای و عملکردهای بسیار رادیکال کارگران، سرانجام در ۲۲ جولای دبیر حزب (فیلیپ ون پتن) از همه بخش‌های حزب خواست تا از اعتصاب عمومی و خواسته‌هایی مانند هشت ساعت کار روزانه و ملی کردن صنایع راه‌آهن و تلگراف و ... حمایت کنند. (۷)

پیشروی کارگران در سنت لویس با سرکوب‌های شدید دولت روبرو شد. نخبگان طبقه سرمایه‌دار سنت‌لویس و دو ژنرال سابق "کنفدراسیون" و "اتحادیه" به سازماندهی و ایجاد "کمیته امنیت عمومی" پرداختند که هدف آن سرکوب و شکست دادن طبقه کارگر بود. نیروهای نظامی فدرال با اسلحه و مهمات فراوان وارد شهر شدند و حمام خون به راه انداختند.

نقطه اوج اعتصابات در روز چهارشنبه ۲۵ جولای بود. اما یک روز بعد از آن آتش قیام خاموش شد. با تزلزل رهبری کمیته اجرائی حزب کارگران و تسلیم شدنش به خواسته‌های طبقه سرمایه‌دار حاکم، این کمیته بعد از دو روز متلاشی

شد و کمون سنت لوئیس بدون درگیری زیاد سقوط کرد و رهبران آن زندانی شدند. در یکشنبه ۲۹ جولای طبقه سرمایه دار حاکم مجدداً شهر را به طور کامل تصاحب کرد.

پس از سقوط کمون سنت لوئیس، نخبگان بورژوازی حاکم بر شهر تشکیلات مافیائی بسیار ارتجاعی و نژادپرستانه و ضدکارگری را به نام "پیامبر محجبه" ایجاد کردند و سالانه رژه هائی را به عنوان جشن پیروزی برپا کردند. اولین رژه آن در سال ۱۸۷۸ برگزار شد. قابل ذکر است که این تشکیلات ارتجاعی در سال ۲۰۲۱ مجبور به تغییر نام خود شد. اما این تشکیلات ارتجاعی، هنوز یکی از لانه های ارتجاعی ترین نیروهای بورژوازی حاکم بر امریکا میباشد. در مطالب محدودی که در رابطه با دلایل شکست کمون سنت لوئیس نوشته شده؛ تا حد زیادی به گمانه زنی بسنده شده است. عدم قاطعیت رهبری (که هرگز واقعاً برای تسخیر قدرت تلاش نکرد) و بهره برداری بورژوازی از تنش های نژادی و قومی در میان کارگران سیاه پوست و سفیدپوست، آلمانی و ایرلندی و ... به عنوان دلایل شکست کمون سنت لوئیس نام برده شده اند.

واقعیت این است که در سال ۱۸۷۷، اگر چه مبارزه طبقاتی در امریکا قدرتمند بود؛ اما طبقه کارگر دارای تجربه کافی برای به پیروزی رساندن کمون نبود. به عنوان مثال اعتصابات قدرتمند در سراسر کشور بدون رهبری سیاسی بودند. از این نظر، شاید بتوان شکست کمون سنت لوئیس را بیش از هر چیز به فقدان رهبری انقلابی و رزمنده و ناکافی بودن آگاهی سیاسی طبقه کارگر نسبت داد. از طرف دیگر، هرچند که حزب کارگران در سنت لوئیس تلاش کرد که آگاهی سیاسی کارگران را ارتقا دهد و ضرورت گرفتن قدرت سیاسی از طبقه سرمایه دار را آشکار کند و در ایجاد کمون نقش ایفاء کند اما کمون سنت لوئیس نمی توانست بدون اتحاد مبارزاتی کارگران سراسر امریکا عمری طولانی داشته باشد. با اینکه سنت لوئیس یکی از شهرهای مهم امریکا بود، اما نقش آن در امریکا به هیچ وجه با نقش پاریس در فرانسه قابل مقایسه نبود.

آنچه که در رابطه با حوادث تاریخی جنبش کارگری امریکا در ۱۸۷۷ بسیار شگفت آور می باشد این است که چطور این مبارزات خیلی سریع گسترده شد و به ویژه در شهر سنت لوئیس تا تشکیل کمون پیش رفت. در پایان جنبش در آن سال، هیچ یک از خواسته های کارگران برای آن مبارزه کردند برآورده نشد، اما پتانسیل انقلابی طبقه کارگر امریکا (علیرغم ناپختگی در رشد نظری و تشکیلاتی و سازماندهی) به شکلی عالی به نمایش گذاشته شد. اکنون پس از گذشت ۱۴۰ سال از خیزش انقلابی کارگران امریکا، تجربه کمون کوتاه مدت سنت لوئیس هنوز می تواند برای طبقه کارگر امریکا و جهان (که با سیستم سرمایه داری در بحران و در حال افول نهائی مواجه هستند) حاوی درس های مهمی باشد. وقایع ۱۸۷۷ و کمون سنت لوئیس قدرت عظیم طبقه کارگر؛ ضرورت آگاهی و قاطعیت رهبری انقلابی، لزوم بالا بردن آگاهی سیاسی کارگران در برابر وعده های دروغین طبقه حاکم، و نیاز به اتحاد طبقاتی در مقابل تمام تلاش های دشمن برای تقسیم کارگران و زحمتکشانشان حول خطوط نژادی و قومی (و جنسیتی) را آشکار می کنند درسهائی است که برای طبقه کارگر ایران نیز مفید واقع خواهند بود.

سهیلا- تیرماه- سرطان ۱۴۰۲

زیرنویسها:

۱- در سال ۱۸۶۰ هفت ایالت جنوبی از امریکا جدا شدند و ایالات «کنفدراسیون» امریکا را تشکیل دادند و چهار ایالت دیگر نیز پس از مدت کوتاهی به آنها پیوستند. ۲۳ ایالات دیگر امریکا در تضاد با ایالات "کنفدراسیون" ایالات "اتحادیه" را تشکیل دادند. به دنبال این تنشها و در واقع پس از چندین دهه تنش بین ایالات شمالی و جنوبی عمدتاً بر سر

برده داری و حقوق ایالتها جنگ داخلی در امریکا در سال ۱۸۶۱ آغاز شد. این جنگ سرانجام با تسلیم "کنفدراسیون" به "اتحادیه" در سال ۱۸۶۵ به پایان رسید.

۲- Jay Gould؛James Lucas؛John O'Fallon

۳- Joseph Weydemeyer

۴- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به نامه های انگلس به فردریک سورگه

۵- Adolphe Thiers سیاستمدار بورژوازی فرانسوی و مسئول سرکوب خونین کمون پاریس در پاریس و قتل عام چند هزار کمونارد.

۶- Rutherford B. Hayes

۷- Philip Van Patten